

اهمیت درخت خرما در زندگی مردم خور*

اگر با هواپیما از فراز کویر مرکزی ایران بگذری، تصور میکنی روی دریائی سیمگون پرواز میکنی و ذرات سفید خاك در زیر پایت درخششی خاص دارند. نه جزیره‌ای در این دریا، و نه چین و شکنی بر این صحرا.

بر کران کویر، روستاهای زیادی قرار دارند، یکی از این مناطق بخش خور و بیابانک است با مساحتی بیش از ۱۰۰۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت بیشتر از ۳۵۰۰۰ نفر. «خور» مرکز این ناحیه است که در روی نقشه آن را در تقاطع نصف النهار شرقی ۵۵ درجه و ۲ دقیقه طول جغرافیائی با عرض ۳۳ درجه و ۳۷ دقیقه شمالی میتوان یافت. «خور» که ۸۵۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و در ۴۲۳ کیلومتری شرق اصفهان قرار گرفته، بیش از ۶۰۰۰ نفر جمعیت دارد.

نزدیک‌ترین شهرها با خور ۲۵۰ کیلومتر فاصله دارد و همین انزوا و دوری از مراکز مهم انسانی عامل ویژگی‌های سنتی زیادی است، که اکنون هم زبان هخامنشی و معماری ساسانی و فرهنگ اصیل ایرانی را یکجا و در کنار هم درخور میتوان دید.

متوسط بارندگی سالیانه در خور کمتر از ۱۰۰ میلی‌متر است و هوای گرم و کمی ارتفاع موجب شده است که محیط برای کشت و بهره‌وری از درخت خرما مساعد باشد.

خور که بسان بندری در کنار کویر مرکزی قرار دارد، دو قسمت است، قسمت جنوبی که خانه‌ها و مساکن انسان‌ها است و قسمت شمالی نخلستان عظیمی است که قوس‌وارخانه‌ها را در پناه می‌گیرد و مردم را از بادهای داغ‌کویری در امان می‌دارد.

زراعت در خور در سایه درختان خرما است و از این هیچ‌گزیر و گریزی نیست، چه خارج از نخلستان آفتاب داغ و بادهای تفته امان نمی‌دهد و زیر درخت هم سایه انبوه درختان و شیره - که آفتی است چسبناک و از برگ درختها می‌چکد - زراعت را رنجور و بی‌بهره دارد.

نخلستان خور بیشتر از ۳۵۰ هکتار مساحت دارد و ۰/۱۵ درصد مردم را تأمین می‌کند. درخت خرما درخت برکت است و برکتش هم بسیار زیاد. به جز استفاده‌ای که در تغذیه دارد ده‌ها و ده‌ها بهره دیگر دارد و آدمهای پرکوش يك ذره از چوب این هدیه هوای گرم و خشک صحرايي را بی‌کار نمی‌گذارند.

سخن کوتاه «درخت خرما» در زندگی مردم خور تأثیری عظیم دارد که در خور بررسی است و بهمان اندازه که در معیشت مهم است، از نظر هنرها و صنایع دستی هم قابل مطالعه است.

کشت درخت خرما :

- فصل کشت و نهال کردن درخت خرما اسفند و فروردین ماه است و به دو گونه :
- ۱- بچه‌ها و پا جوش‌های درخت ماده را که ۳ تا ۵ سال داشته باشد میکنند و نهال می‌کنند (۱) .
 - ۲- هسته خرما را خوب در زمین می‌کارند (۲) و بعد از ۳ تا ۵ سال که تشخیص درخت نر و ماده آسان شد در جای دلخواه نهال می‌کنند . نهال‌های ماده قطرشان بیشتر است و اغلب خوشه کوچکی هم دارند و نهال نر از طول رشد بیشتری دارد و بدردسوزاندن می‌خورد .

- چهره درخت خرما مرکب از سه قسمت است .
- ۱- ریشه که در زیر خاک پنهان است و بسیار قوی و طولانی است . بریدنش با تبر ساعت‌ها وقت می‌گیرد و طولش گاه به چندصد متر می‌رسد .
 - ۲- ساقه استوانه‌ای درخت که - دوپل *davil* - نامیده می‌شود ، از درون پر است از آوندهای قوی و پر آب ، واز بیرون ، جای برگ‌های بریده شده چون پلکانی بر درخت پیداست (۳) .
 - ۳- برگ‌های خرما که چون چتری بر سر ساقه می‌ماند . هر سال چند ردیف برگ تازه از قلب درخت برمی‌خیزد ، که باید چند ردیف از برگ‌های کهنه را از پائین برید .
- یک برگ از پائین به بالا این نام‌ها را به خود می‌گیرد .
- ساغری** *sâqari* که انتهای برگ است و بر ساقه درخت پلکانی را می‌ماند و بگام بردن بای بر آن می‌نهند .
- کوشک** *kavesk* قسمت بعد از ساغری است که کم‌کم باریک می‌شود .
- لوس** *Lows* بعد از کوشک است که در دو طرف سیخ‌های بزرگ دارد ، به این سیخ **میر** *mair* می‌گویند .
- به دو قسمت اخیر روی هم باسکین *bâskin* می‌گویند .
- سپس به برگه اصلی می‌رسیم که برشک *barask* نامیده می‌شود و باریک است و بلند ، و در دو طرف چوب برگ‌ها روئیده‌اند .
- برگ‌ها ، هر چه به قلب درخت نزدیک شویم ، ظریف‌تر و سفیدتر می‌شود تا در قلب درخت بصورت یک توده سفید و بسیار خوشمزه درمی‌آید که پنیر *panir* نامیده می‌شود . بعضی مواقع برگ‌ها را می‌برند . و به اصطلاح درخت را می‌کشند تا پنیر آن را بخورند . البته این درخت دیگر میوه نمی‌دهد .
- قلب درخت مرکز رشد است و نیام‌هایی که خوشه در آن است از قلب درخت و لابلای
- ۱- این پا جوش‌ها را در گویش خوری - بیزه *bize* می‌گویند .
 - ۲- هسته خرما در زبان محلی - پشگ *pesg* - یا - پیشه *pisa* نامیده می‌شود .
 - ۳- انتهای برگ را که هنوز بر درخت است - ساغری *sâqari* می‌گویند .

برگه‌ها می‌روید . بین هر ردیف برگه که دورتا دور درخت روئیده . يك لایه بافته شده از الیافی مانند الیاف کنف وجود دارد که به آن پیچ piz می‌گویند .



نخل - « خور »

گردۀ افشانی و لقاح :

فصل‌گردۀ افشانی درخت خرما در اوایل بهار است . در این وقت از لابلای برگه‌های درخت (نروماده) نیامی سبزرنگ بیرون می‌آید و رشد می‌کند که به آن کویله kavila گویند

و خوشه اصلی در آن است . پس از مدتی در اثر رشد خوشه کویله می‌ترکد و خوشه بیرون می‌آید . خوشه را در زبان محلی هوژ húz می‌گویند . خوشه درخت نردانه‌هایی دارد که حامل گرد سفید رنگ خوش بوئی است . هر خوشه از تعداد زیادی رشته تشکیل شده و دانه‌ها بر رشته‌ها روئیده‌اند . برای کرده گذاری خوشه درخت نردانه می‌برند و چند رشته را در یک خوشه درخت ماده قرار می‌دهند . لقاح خود به خود انجام می‌شود و دانه‌های خوشه ماده کم کم بار می‌گیرند و بزرگ می‌شوند . هر خوشه یا هوژ سه قسمت دارد :

تمبر tambar که چوبی است بلند و صاف که از درخت آویزان می‌شود و خوشه بر سر آن است .

ترند terend که همان رشته‌های هر خوشه است و دانه‌ها به آن متصلند .
کلوخ kolúx خرما نارس است که سبزرنگ است و پس از مدتی به نسبت جنس درخت به رنگ‌های مختلف در می‌آید . کلوخ بعد از ۳-۴ ماه در اواسط تابستان جان می‌گیرد و بزرگ می‌شود . کلوخ‌های درشت را در کیسه‌های کرباسی می‌ریزند و زیر گاهمی‌کنند تا پخته و قابل خوردن می‌شود .

در شهریور ماه اولین دانه‌های خرما بر درخت‌های « زودزا » - که روش rowves نامیده میشود - ظاهر می‌گردد . « دیرزا » ترین درخت‌ها را هم اروش eiraves می‌گویند .

انواع خرما:

- کرمانی kermúni به رنگ سیاه مایل به قرمز .
- سهسگن sehesgen به رنگ نارنجی پررنگ .
- قصب یا قصب qasb-qasm به رنگ نارنجی .
- زارش zâras به رنگ زرد با لکه‌های بنفش .
- خشدشکن یا هشگنه xadesgan - hesgeno به رنگ زرد .
- کلوخ پشن kolúx pesen زرد کم رنگ .
- زرگن با zargenbâ به رنگ زرد پررنگ .
- رسی rosi زرد با لکه‌های قرمز که برنخ می‌کشند .
- خارک یا هارک xârak-hârak زرد پررنگ با لکه‌های قرمز .

محصول و برداشت آن :

در هر ماه همه درخت‌ها خرما دارند که فصل جمع‌آوری خرما است . نخلستان پر است از خانواده‌هایی که برای برداشت خرما و خرمابری به دشت رفته‌اند . یک نفر طنابی دور کمرش و ساقه درخت می‌بندد (۱) و با برس‌های آنها به کمک طناب برداشت بالا می‌رود . دو نفر نیز در زیر درخت چهار گوشه چادر شبی را می‌گیرند تا کسی که بالای درخت است خوشه را بریده در آن بیندازد . سپس خرما را در زنبیل‌ها می‌ریزند و برالاغ می‌بندند و به خانه می‌برند .

۱- به این طناب که برای برداشتن درخت است پرونده parvenda می‌گویند .

بهره‌وری‌های غذائی که از خرما می‌شود :

– تغذیه: هرچند که همه ساله مقداری خرما از خورسادر می‌شود اما مصرف خوراکی و خود مصرفی آن نیز بسیار زیاد است. بعضی خرماها را همانگونه که برخوشه است در انبار می‌گذارند که به اسم خوشکی، شبچره شب‌های زمستان است. و یک نوع را نیز از وسط می‌برند و می‌گذارند تا خشک شود این خرما که هرگز فاسد نمی‌شود کلاهو kolähü نام دارد.

– شیر: ۵: (۱) برای تهیه شیر، خرمای نامرغوب را بعد از آنکه چند روز خیس کردند در یک حرارت تند می‌جوشانند. البته قبل از جوشاندن، هسته و پوست و گوشت خرما را بوسیله کیسه‌های کرباسی که با مشت بر روی صافی‌هایی که در پشت‌های بزرگ قرار داده‌اند، می‌فشارند، جدای می‌کنند و تنها عصاره خرما را می‌جوشانند. پختن شیر آنقدر ادامه می‌یابد تا دو سوم حجم آن کم شود. وقتی نصف آب‌ها بخار شد می‌گویند شراب است و حرام. – تهیه سرکه از خرما: برای سرکه انداختن، خرما را به مدت ۴۰ روز در یک کوزه بزرگ در بسته قرار می‌دهند و سپس آن را با گذراندن از یک پارچه کتانی صاف می‌کنند.

آنچه که مواد اولیه‌اش از درخت خرما است :

۱ – طناب یا رسن Rasan همانطور که گفته شد دور هر ردیف برگ خرما پارچه‌ای از الیاف بافته شده پیچیده است که به آن پیچ Pij می‌گویند. بعد از بریدن برگ‌ها الیاف را از درخت جدا می‌کنند و پس از خیس کردن از هم باز می‌کنند و با دست به صورت رشته‌هایی بیرون می‌آورند و این رشته‌ها را با حرکت دو دست بر روی هم بهم می‌تابند. به رشته‌های اولیه گلگک gelg می‌گویند و طناب‌های دور رشته‌ای، رسن دو گلگی Rasane, do, gelgi یا ملار malâr نام دارد. بعد از این طناب‌ها را بصورت گلوله‌ای می‌پیچند و کلرگ Kolerg نام می‌گیرد. آنگاه کلرگ Kolerg را خیس می‌کنند و به دو میخ چوبی که با فاصله ۱۰ متر روی دیوار زده‌اند می‌بندند تا چروک نشود. بعد از یکی دو روز گلوله‌ها را بازمی‌کنند و دو سر طناب را از دو نی گذرانده و به چوب کوچکی می‌بندند. وسط طناب را به یک چنگه فلزی کوچک که روی دیوار نصب است و بطور آزاد می‌چرخد می‌اندازند. یک نفر با چوبی که دوشیار در دو طرف دارد تاب رسن را محکم می‌کند و دوفر با چرخاندن چوب‌ها و در دست گرفتن نی‌ها طناب را تاب می‌دهد تا چهارلا شود و بعد با کشیدن دو طناب به هم خارهای آن را می‌گیرند.

این نوع طناب برای بالا رفتن از درخت، افسار چهار پایان، بستن اشیاء، و غیره بکار می‌رود و هر سال مقدار زیادی نیز به شهرستان‌های دیگر صادر می‌شود.

۲- درز darz نوعی طناب خیلی نازک و ظریف است که از رشته‌های زرد رنگ مقاوم ساخته شده و برای دوختن و محکم کردن زنبیل و دیگر وسائل حصیری استفاده می‌کنند.

۳- گاله یا واله... که به زبان خوری گوال gavâl نامیده می‌شود. آن است که برای

۱- شیر. به زبان محلی دوشو dūšow نامیده میشود.

حمل خاك و كود و غيره برالاغ و ديگر چهار پايان مي گذارند .

برای بافتن گوال دو چوب را به فاصله ۱/۵ متر روی دیوار می کوبند ، و دور آن را به عرض نیم متر درز (طنابهایی از الیاف نازک) پهلوی هم می گذارند و با كلك يك سوزن چوبی و درز دیگری (که به جای نخ بکار می رود) آن ها را بهم می دوزند . وقتی همه درزها بهم دوخته شد یکی از دو طرفی را که باز است می دوزند ، کیسه ای پدید می آید که طولش ۱/۵ متر و عرضش ۱/۵ متر است . گوال را از عرض بر چهار پايان می نهند و در آن خاك و كود و كچ و غيره می ریزند .

۴- تور tür - کیسه بزرگی است که برای حمل کاه و یونجه و علوفه بکار می رود . بافتنش همانند بافتن تور والیبال است که پس از بافتن سه طرفش را مانند کیسه بهم می دوزند .

۵- گشك gosk - هر برگ درخت خرما متشکل از شاخه ای است که برگها در دو طرف آن روئیده اند . برگها را از ساقه جدا می کنند ، و پس از شستن ، از درهم بافتن برگها نوارهایی بدست می آورند این نوارها گشك gosk نام دارد و از آن ، زنبیل ، و حصیر ، کلاه و غيره درست می کنند . طول و عرض گشك به شیء مورد نظر بستگی دارد و مثلاً اگر خواسته باشند زنبیل محکمی درست کنند ، در وقت بافتن گشك برگها را دوتا دوتا روی هم می گذارند و می بافند .

۶- حصیر Hasir - فرشی است تهیه شده از برگ درخت خرما ، که برای ساختن آن چند گشك پهن را روی زمین ، کنار هم ، پهن می کنند و با سوزن و برگهای نازک (بجای نخ) آنها را بهم می دوزند . حصیر امروزه زیر انداز قالیها و فرش تابستانی زیر - زمینها است .

۷- سله sala یا ، جلت jolat کیسه های حصیری است ، که مانند حصیر می بافند و سه طرفش را می دوزند و خرما در آن می ریزند ، برای نگهداری یا صدور .

۸- نوورو nowvarù فرم کوچک و بیجگانه سله است که بازبچه بچهها در فصل خرما بران است .

۹- گالچون gâlecùn - گهواره حصیری است . و برای ساختن آن دو حصیر بافته شده را بهم می دوزند . چهار طرفش را برای جای چوب خالی می گذارند . و ۴ چوب نازک در آن می گذارند و سر چوبها را بهم می بندند . يك طناب بلند به عرض يك طرف ، و طنابی بهمان اندازه بعرض دیگری می بندند و طنابها را به دو دیوار مقابل ، به میخ می آویزند . در گالچون تشك می اندازند تا خوابگاه بچهها كوچك باشد .

۱۰- زنبیل zanbil - برای ساختن زنبیل ، گشكها را باریك و محکم می سازند . و گشكها را از عرض ، حلزون وار بهم می دوزند . پس از ۶ - ۷ دور که کف زنبیل (به نسبت كوچك و بزرگی زنبیل) دوخته شد ، جهت دوخت را برای ساختن دیواره ، از دوخت افقی به عمودی تغییر می دهند . سپس برای محکم بودن زنبیل پشت آن را با درز می دوزند . و با طنابی که رویش را پارچه پیچیده اند دسته ای برای آن تمبیه می کنند ، تا برگرفتن را آسان باشد . زنبیل بر حسب نوع و کارائی و اندازه اش انواع مختلف دارد :

دول dúl زنبیل کوچکی است که برای کارهای بنائی و حمل گل بکار می‌رود .

دولند dúlenda تنگ مانند است و کوچک و دردار ، برای حمل تخم مرغ و جای میوه . دهانه‌اش باریک است و هر چه به پائین برویم پهن تر می‌شود .

نیژی nizy زنبیل کوچک و ظریفی است برای سبزی چینی ، که برای زیبایی به آن پارچه‌های رنگی هم می‌دوزند .

آشار âsar بزرگ تراز نیژی است و ضخیم تر .

چرگازی cargázy زنبیل کوچک برای جای علفه حیوانات که از آشاز بزرگ تر است

ترازو: که در زبان خوری به آن تراسک tarâsk می‌گویند ، دو زنبیل (کوچک یا بزرگ) است که هر کدام با سه طناب به دوسریک چوب آویزان است . وسط چوب سوراخی دارد که طناب کوچکی از آن عبور داده‌اند که نقش شاهین ترازو را بازی می‌کند . این ترازو دقت چندانی ندارد ولی برای آن مواردی که بکار می‌برند مفید است .

جارو Jâru برای درست کردن جاروی حصیری ، بر گه درخت خرما را بریده در آب می‌گذارند . و هر برگه را از وسط ، نصف کرده ، و روی هم گذاشته در یک جهت می‌بافند . در حدود ۱۰ سانتیمتر از ساقه را از برگه عریان می‌کنند تا بجای دسته بکار رود . جارو اضافه بر استفاده محلی و خانگی به مناطق دیگر نیز صادر می‌شود .

۱۱- **تگشک** tagesk نوعی سینی حصیری است که از نوارهای برگه‌ای (گشک) می‌بافند . که دایره‌وار است به قطر تقریبی ۵۰ سانتیمتر و دیواره‌ای به بلندی ۷ سانتیمتر . و برای شستن برنج است و جای میوه‌هایی چون انگور و غیره .

۱۲- **کلاه:** کلاههایی که با برگه درخت خرما ساخته می‌شوند بر دو نوعند یک نوع کلاه ضخیم با برگردان (آفتابگیر) که برای محافظت از آفتاب سوزان است و از نوارهای حصیری (گشک) ساخته می‌شود . و نوع دیگر کلاهی است بسیار نازک و ظریف که با درهم بافتن برگه‌های بسیار نازک و محکم ساخته می‌شود . و بافتنش کار بسیار مشکل و وقت گیری است .

۱۳- **بادپرن** که به زبان خوری گارم gârom نامیده می‌شود و برای بافتن آن برگه‌های ظریف را انتخاب نموده هر برگه را بصورت چهار رشته مساوی و باریک از درازا بطوری می‌برند که در انتها بهم متصل باشند . ۱۴ تا ۲۰ تای این برگه‌ها را بطور مایل بهم می‌بافند و سپس آن را به دسته‌ای چوبی می‌بندند . ممکن است برای زیبایی برگه‌ها را رنگ بزنند و با همین رنگ آمیزی است که بعضی مواقع می‌توانند اسم اشخاص یا اشکال مختلف را با زحمت فراوان بر روی بادپرن نشان بدهند .

۱۴- **پالاس** palâs نوعی گلیم از الیاف درخت خرما است که ساختنش چون بسیاری از اشیاء ذکر شده از بین رفته است . برای بافتن آن مقداری طناب نازک روی یک چهارم چوب سوار میکنند و آن‌ها را با نوارهای ضخیم پارچه‌ای بهم می‌بافند ، بطوریکه کاملاً روی الیاف را می‌گیرد .

۱۵- مگس‌گیر که به شکل آکوردگون ساخته می‌شود . و مقداری شیره روی آن می‌ریزند و با باز و بسته کردن آن مگس‌هایی را که در طلب شیرینی روی شیره نشسته‌اند خفه می‌کنند .

۱۶- ۵: گرچه سال‌هاست که ساختن درخانه ازساقه درخت خرما ازبین رفته ، اما لازم به یادآوری است که با بریدن ساقه درخت خرما (دویل Cavil) و تقسیم آن به تخته‌های پهن و باریک از آن درنیز می‌ساخته‌اند . پایان



کمال اجتماعی جندقی و نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فردای دگرسانی

می‌گذاریم غمی بر سر غمهای دگر
 ما که از دوست نداریم تمنای دگر
 باز فردا بود امید به فردای دگر
 هر زمان می‌زنم چرخ به تیبای دگر
 زندگی می‌شود آغاز به مبدای دگر
 که پس از مرگ شوم زنده به دنیای دگر
 عقل سرگشته ما باز زندرای دگر

دور از او گر که رسیدیم به فردای دگر
 جز نگاهی ز سر لطف ، که يك بار نکرد
 دلخوش امروز ، چو دیروز ، به فردا هستیم
 من چو بازیچه طفلان شده‌ام ، گوی صفت
 گفتم ای جان! دهمت مژده که ما را پس مرگ
 جان یخندید که ما را غم دنیا کم بود ؟
 گفتمش محض خدا هیچ مگو ، می‌ترسم